

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ

پرسش و پاسخ استاد

پیرامون تصویر قدر جامع، هم بنابر قول اعمی‌ها و هم بنا بر قول صحیحی‌ها بحث‌های مفصلی را عرض کردیم. بالآخره می‌خواهیم ببینیم با این همه بحث‌ها و صحبت‌ها می‌توانیم یک قدر جامع، یا قول صحیحی یا قول اعمی را درست کنیم و یا اصلاً نمی‌توانیم قدر جامع درست کنیم.

مرحوم آقای خویی قدر جامع را ارکان قرار داده بودند با آن روایات، خود آخوند هم در کفایه اشکال کردند که بعضی از جاها هست که ارکان ندارد و گاهی اوقات هم ارکان موجود است؛ مثل آنجایی که صبح، الله اکبر می‌گوید و ظهر رکوع می‌رود اما موالات را رعایت نمی‌کند. پس ما نمی‌توانیم بگوییم که مجرد ارکان، نماز است چون ممکن است ارکان باشد و نماز نباشد.

ارتباط تصویر قدر جامع با حقیقت شرعی

مجموعاً انظار بزرگان را در باب قدر جامع، هم روی قول صحیحی و هم روی قول اعمی ملاحظه فرمودید. آنچه که به عنوان تحقیق در مطلع می‌توانیم ارائه بدهیم این است که: آیا در بحث تصویر قدر جامع، بحث را مبتنی بر ثبوت حقیقت شرعیه کنیم یا خیر؟ در ابتدای بحث صحیح و اعم عرض کردیم که در این نزاع، آیا فقط قائلین به حقیقت شرعیه می‌توانند شرکت کنند؛ کما اینکه مرحوم آخوند در کفایه قائل شدند. و عده‌ای نیز قائل شدند که اصلاً این بحث روی قول به حقیقت شرعیه است.

اما عده‌ای از بزرگان مثل (امام رضوان الله تعالی علیه) و مرحوم محقق نائینی و مرحوم آقای خویی فرمودند این بحث کلیت دارد و حتی کسانی که قائل به حقیقت شرعیه هم نیستند می‌توانند در نزاع صحیحی و اعمی شرکت کنند.

در اینجا به نظر می‌رسد که بحث را مبنایی کنیم و بگوییم شما که دنبال قدر جامع برای نماز هستید، چه صحیحی‌ها و چه اعمی‌ها، آیا می‌خواهید روی قول به حقیقت شرعیه قدر جامع درست کنید؟ اگر روی این نظر باشد، قدر جامع فقط عندالله و عندالشارع و عند الائمة و النبی (علیهم السلام) روشن است و برای ما به هیچ وجه قدر جامع روشن نیست. چه قدر جامعی بوده است که ما بخواهیم بگوییم که بین مراتب نمازهای صحیح، بر همه مراتب صدق کند. یا روی قول اعمی‌ها که هم بر نماز صحیح و هم بر نماز فاسد صدق کند. آن وقت نتیجه‌اش این می‌شود که باید ادعا کنیم که قدر جامع در نزد ما روشن نیست و صحیحی‌ها می‌توانند از طریق آثار به آن اشاره کنند. مثل مرحوم آخوند که یک کسی که هم صحیحی است و هم کسی است که قائل شد به اینکه این نزاع صحیح و اعم روی قول به حقیقت شرعیه است، طبعاً ایشان باید یک جامعی را که شارع ارائه فرموده است در نظر بگیرد ولو اینکه بفرماید آن جامع برای ما روشن نیست اما از طریق آثار می‌توانیم پی به آن جامع ببریم.

بنابراین اصلاً روی این مینا تصویر جامع برای ما ممکن نیست. خود شارع مقدس یک قدر جامعی را در نظر گرفته و برای ما بیان هم نفرموده و وقتی که برای ما بیان نفرموده احتمالات متعددی هم بدهیم بالآخره به آن قدر جامع نمی‌توانیم برسیم.

ظاهر این نظریاتی که تا به حال بیان کردیم غالبش روی همین فرض بوده که ما یک حقیقت شرعیه‌ای داریم و شارع آمده است و لفظ صلاة را برای معنایی وضع کرده و باید ببینیم که موضوع له آن چیست؟ منتهی نکته‌ی قابل تذکر که در اشکال بر تحقیق مرحوم محقق خوئی عرض کردیم این است که کسانی که این مبنا را قبول دارند نمی‌توانند برای موضوع له به روایات استدلال کنند. روایاتی که در زمان امام صادق و امام باقر (علیهما السلام) در باب صلاة وارد بوده که الصلاة ثلاثه اثلاث؛ که نماز سه ثلثی است، ثلثش رکوع است و ثلثش سجود است و ثلثش طهور است. به این روایات نمی‌توانند استدلال کنند؛ چون گفتیم که قبل از زمان صدور این روایات، موضوع له در بین متشرعه روشن بوده است و این روایات اصلاً در مقام بیان موضوع له نیست و در مقام بیان اهم الأجزاء و اهم الشرائط در باب نماز است و نمی‌خواهد آن اجزایی که در ماهیت صلاة و در موضوع له صلاة دخالت دارد را برای ما بیان کند و غیر از آن را بیان نکند. لذا وقتی که باب تمسک به این روایات هم بسته شد نتیجه این است که دست ما کوتاه می‌شود و روی قول به حقیقت شرعیه راهی نداریم که بتوانیم قدر جامع را در نظر شارع روشن کنیم.

پرسش و پاسخ استاد

ما فقط «صلوا کما رأیتُمونی اصلی» را داریم که آن را هم عرض کردیم که بعداً در یکی از استدلالهای صحیحی‌ها یا اعمی‌ها می‌آید و بیشتر توضیح می‌دهیم. ذکر ارکان و اجزاء و شرایط بیشتر در روایات امام صادق و امام باقر (علیهما السلام) هست. مثل آن صحیح حلی، صحیح زراره و صحیح حماد و غیر ذلک، روی این مبنا تکلیف روشن شد.

تصویر قدر جامع بر مبنای عدم ثبوت حقیقت شرعیه

مبنای دوم این است که بگوییم قدر جامع را ولو مع عدم ثبوت حقیقت شرعیه، ببینیم که یک معنای عرفی، یک معنایی که قبل از اسلام هم بوده برای صلاة و همان معنا بر تمام مصادیق نمازها اطلاق می‌شود، قدر جامعش چیست؟

مثل مرحوم امام و مرحوم آقای نائینی و عده‌ای از ارکان اصولیین معاصر، این‌ها نظریه‌شان در باب صحیح و اعم همین است. می‌گویند بحث و نزاع بر صحیح و اعم متفرع بر ثبوت حقیقت شرعیه نیست. یعنی ولو صلاة حقیقت شرعیه هم نداشته باشد، می‌توانیم بحث کنیم که آیا این صلاة را فقط باید بر تام الاجزاء و الشرائط اطلاق کرد، یا آنجایی که تام الاجزاء و الشرائط هم نیست می‌توانیم بگوییم صلاة.

باید روی این فرض، یک معنای عرفی و یک معنایی که عرف از آن لفظ صلاة می‌فهمد و بر طبق آن بر تمام مصادیق اطلاق می‌کند آن معنا را ما بیابیم و پیدا کنیم و ببینیم که قدر جامع چیست.

نکات مقدماتی بحث

در اینجا باید دو نکته را رعایت کنیم. یک نکته این است که ما وقتی که مسئله حقیقت شرعیه را کنار گذاشتیم، دیگر نمی‌توانیم در موضوع له اشاره‌ای حتی به آثار داشته باشیم. خیلی از بزرگان مثل مرحوم محقق اصفهانی، ایشان فرمود موضوع له لفظ صلاة، صلاة وضع شده است برای یک عملی که این عمل از ابعادی مبهم است، مثلاً از اینکه باید دو رکعت باشد یا سه رکعت یا چهار رکعت و چه اجزایی باید داشته باشد مبهم است و ما می‌توانیم با همین آثار به آن عمل اشاره کنیم.

توضیح نظریه محقق اصفهانی

نظریه مرحوم اصفهانی را مفصل توضیح دادیم که ایشان ماهیات را دو قسم کرد و فرمود یک ماهیات متاصله داریم یعنی ماهیاتی که در آن ابهام راه ندارد، و یک ماهیاتی داریم که در آن ابهام راه دارد و فرمودند ماهیات مرکبیه اعتباریه غالباً یک ماهیات مبهمه است و ما نمی‌توانیم جز از طریق آثار بفهمیم. فرق آن را هم با نظریه مرحوم آخوند خراسانی بیان کردیم. حال اگر ما حقیقت شرعیه را کنار گذاشتیم ما هستیم و آنچه که عرف از لفظ صلاة می‌فهمد، ما هستیم و آن معنای عرفی، عرف از صلاة چه می‌فهمد؟ اینجا اگر آمدیم برایش یک موضوع له درست کردیم باز حق نداریم که اشاره کنیم به آثار شرعیه؛ چرا که بین این

دو مقام خلط می‌شود.

نظریه محقق ایروانی

مرحوم ایروانی می‌فرماید که «صلاة اسم لعدة اجزاء». ایشان نه از ارکان، نه از معظم الأجزاء نه خصوصیات دیگر اسمی آورد؛ بلکه فرمود که صلاة از نظر عرف «اسم لعدة اجزاء» که این عدة الاجزاء در نماز صبح دو رکعتی است و در نماز ظهر چهار رکعتی است و در نماز مغرب سه رکعتی است و در عیدین یک خصوصیات و قنوت‌هایی دارد؛ اما فرمود نماز اجزایی است که اثر خاص دارد، مثل نهی از فحشاء و منکر.

اشکال به نظر محقق ایروانی

اگر شما در مقام بیان یک معنای عرفی هستید باید فرض کنیم شارع نفرموده است «ان صلاة تنهى عن الفحشاء والمنکر» یا «الصلاة معراج المؤمن» و یا «الصلاة قربان کل تقی». حالا با قطع نظر از این آثار باید موضوع له را درست کنیم. مانند باب حج؛ که حج یک عمل مرکبی است از احرام، طواف، نماز طواف، سعی، تقصیر و سایر اعمال که آنجا هم همین مسئله مطرح است.

پرسش و پاسخ استاد

متأسفانه بحث ما در قدر جامع در کتب اصولی فقط روی صلاة آمده است. در کفایه و بعد از کفایه، بحث منحصر به لفظ صلاة نیست و می‌خواهیم بگوییم که الفاظ عبادات و معاملات چه صحیحی و چه اعمی باید یک قدر جامعی برایش تصویر کنید. الآن شاهد برای این قضیه می‌آوریم و می‌گوییم برای صلاة اثر خاص وجود دارد و اگر فرض کنیم - حالا در حج هم یک آثاری در روایات ذکر شده است ولی مثل نماز خیلی زبانزد و متعارف نیست - برای حج که هیچ اثری نیست چه باید کرد.

وقتی که بحث را با عدم حقیقت شرعیه مطرح می‌کنیم، می‌خواهیم ببینیم موضوع له عرفی لفظ صلاة چیست؟ وقتی می‌خواهیم ببینیم موضوع له عرفی آن چیست نباید به هیچ وجه نظر به آثارش داشته باشیم و بگوییم نماز آن است که «عدة اجزاء لها اثر خاص».

مرحوم محقق بروجردی صحبتی از اثر نکرد و فرمود نماز وضع شده برای یک هیئتی که آن هیئت دال بر خشوع مخصوص است. و این معنای عرفی خیلی مرتکز بین مردم و عرف است. منتهی اشکالی که به نظریه ایشان بود این است که این خشوع مخصوص، در صوم، حج و خیلی از عبادات وجود دارد. لذا ایشان پذیرفت که قدر جامع در جمیع عبادات یک چیز است. نماز و حج و روزه و زکات یک قدر جامع خاص دارد و آن عبادة مخصوصه است.

پس ما وقتی که می‌خواهیم بگوییم نماز یک معنای عرفی دارد نمی‌توانیم برای روشن کردن معنای عرفی به این آثار شرعیه اشاره کنیم و باید معنای عرفی‌اش را با قطع نظر از این آثار شرعی بیان کنیم.

نکته‌ی دوم این است که باید ببینیم آیا مصادیق صلاة، یک قدر جامع جدایی از مصادیق حج دارد و یا اینکه این مصادیق و همه‌ی این‌ها در یک قدر جامع کلی مشترک هستند. ظاهر این است که این قدر جامع‌ها جدا هستند و بین آن قدر جامعی که بین نمازهای صحیحه هست با آن قدر جامعی که بین مصادیق حج هست خیلی فرق وجود دارد. در حج اولش احرام است و آخرش هم خروج از احرام است. در تمام این مراحل احرام وجود دارد. احرام در صلاة با احرام در حج حقیقتش مختلف است چون آثار متعددی دارد. ما می‌خواهیم ببینیم که معنای عرفی حج چیست. لذا خیلی‌ها آمدند و گفتند که حج قصد البیت بالأعمال مخصوصه.

پرسش و پاسخ استاد

شرع آمده یک اضافه و اجزایی را آورده است اما معنای صلاة ثبوتاً متفرع بر حقیقت شرعیه نیست. یعنی ولو ما حقیقت شرعیه نداشته باشیم، تصویراین نزاع امکان دارد. حال که تصویرش امکان دارد، می‌خواهیم ببینیم که عرف از لفظ صلاة چه می‌فهمیده است؟ عرف زمان پیامبر از لفظ صلاة چه معنای کلی را می‌فهمیده که به دو رکعتی، سه رکعتی و چهار رکعتی صلاة گفته است. یا به قول اعمی‌ها به نماز فاسد هم صلاة گفته است.

وقتی مسیر بحث به اینجا منتهی می‌شود، باید دوتا نکته را رعایت کنیم، یک نکته این است که کاری به آثار شرعی نداشته باشیم. یعنی الآن اگر ما فرض کنیم که اگر آثار شرعیه در بین نباشد آیا عرف یک معنای کلی را از صلاة می‌فهمد یا خیر؟ و ثانیاً یک قدر جامعی که فقط مخصوص مصادیق صلاة باشد بیان کنیم و دیگر شامل حج، روزه و موارد دیگر هم نشود.

ما در خود اجزای صلاة به رکوع که می‌رسیم، وقتی می‌خواهیم معنای رکوع را بفهمیم سراغ عرف می‌رویم، برای معنای سجده سراغ عرف می‌رویم. منتهی عرف وقتی که برای ما معنا می‌کند منافات ندارد که شارع بپاید یک خصوصیتی به همان معنای عرفی اضافه کرده باشد. مثلاً در سجده علاوه بر اینکه پیشانی روی زمین واقع شود اینجا باید تراب باشد و باید این شرایط را داشته باشد. آنجا هم که می‌گوییم قدر جامع بین رکوع‌ها چیست؟ بین رکوع تام و غیر تام و رکوع اشاره ای نیاز به قدر جامع داریم.

عدم تصویر قدر جامع

این نظریاتی که گفته شد برای تصویر قدر جامع، چه صحیحی‌ها و چه اعمی‌ها با اشکال مواجه بود و ما به این نقطه می‌رسیم که قدر جامع عرفی، بین مصادیق نمازهای صحیح و یا اعم از صحیح و فاسد نمی‌توانیم بیان کنیم. هر چه دقت کردیم توانستیم با یک الفاظی یک اشاراتی کنیم و ارکان یا معظم الأجزاء را بگوییم. نسبت به این معظم الأجزاء که مشهور اعمی‌ها قائلند، آخوند و دیگران اشکال کرده اند. معظم مفهومی و معظم مصداقی نمی‌توانند مراد باشند. و این‌ها همه با اشکال مواجه است. پس به این نقطه می‌رسیم که ما نمی‌توانیم قدر جامع درست کنیم؛ یعنی نمی‌فهمیم که قدر جامع چیست. هم بنا بر حقیقت شرعیه و هم بنا بر عدم ثبوت حقیقت شرعیه.

نظر مرحوم آخوند

مرحوم آخوند یک مطلبی را در کفایه فرمودند که اگر صحیحی بتواند قدر جامع درست کند قول خودش را اثبات می‌کند و اگر اعمی بتواند قدر جامع درست کند قول خودش اثبات می‌شود. ما می‌خواهیم عرض کنیم که این حرف، حرف درستی نیست.

رد نظر مرحوم آخوند

اولاً صحیحی و اعمی ادله‌ای دارند که بعداً بیان می‌شود. و ثانیاً در بحث ترتب ثمره هم نیازی به قدر جامع نداریم. به این بیان که اگر برای ترتب ثمره نیاز به تصویر قدر جامع داشتیم و بگوییم که اگر قدر جامع را درست نکنیم نمی‌توانیم ثمره‌ای را بر این بحث مترتب کنیم، بعداً به این نتیجه خواهیم رسید که قول صحیحی و اعمی از راه تبادر حل می‌شود و ترتب ثمره هم متوقف بر تصویر قدر جامع نیست.

آیا در بین عرف الفاظی داریم که خود عرف در آن به قدر جامع توجهی نداشته و مبهم باشد؟ ما مرکبات اعتباریه فراوانی داریم که قطعاً قدر جامع دارد. همین کلمه «دار» عرف به خانه‌ای که دوتا اتاق دارد، به خانه‌ای که ده تا اتاق دارد، به خانه‌ای که 10 متر است و خانه‌ای که 100 متر است «دار» می‌گوید. این قدر جامعش چیست؟ بگوییم «محل سکنی»، خوب یک غرفه کوچک هم محل سکنی هست اما به آن «دار» نمی‌گویند. ما موارد زیادی داریم که این الفاظ که مرکبات اعتباریه است و مصادیق متعدد هم دارد؛ نمی‌شود قدر جامعی برایش تصویر کرد اما اینکه نمی‌شود قدر جامع تصویر کرد، مضر نیست. آنجا می‌گوییم

که ما کاری نداریم و هر جایی را عرفش می‌گوید «دار». ممکن است به یک اتاق در یک شهری «دار» نگویند و در یک شهر دیگری «دار» بگویند. در صلاة هم بگوییم هر چه عرفش بگوید که بعداً بگوییم مراد از عرف کدام عرف است؟ هر کدام از این‌ها که عرفش گفت.

پس ما اولاً برای اثبات صحیحی و اعمی نیاز به تصویر قدر جامع نداریم و ثانیاً در بحث ترتب ثمره هم نیازی به قدر جامع نداریم که این را بعداً خواهیم گفت. پس سه تا ثمره برای این بحث ذکر شده است. که مرحوم آخوند یکی را قطعاً می‌پذیرد و یکی را بالقطع رد می‌کند و یکی را هم با تردید مطرح می‌کند، که انشاءالله بعداً بحث ثمره را که گفتیم روشن می‌شود که در ثمره و در ترتب ثمره تصویر قدر جامع دخالت ندارد.

وَصَلَّى اللّٰهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ